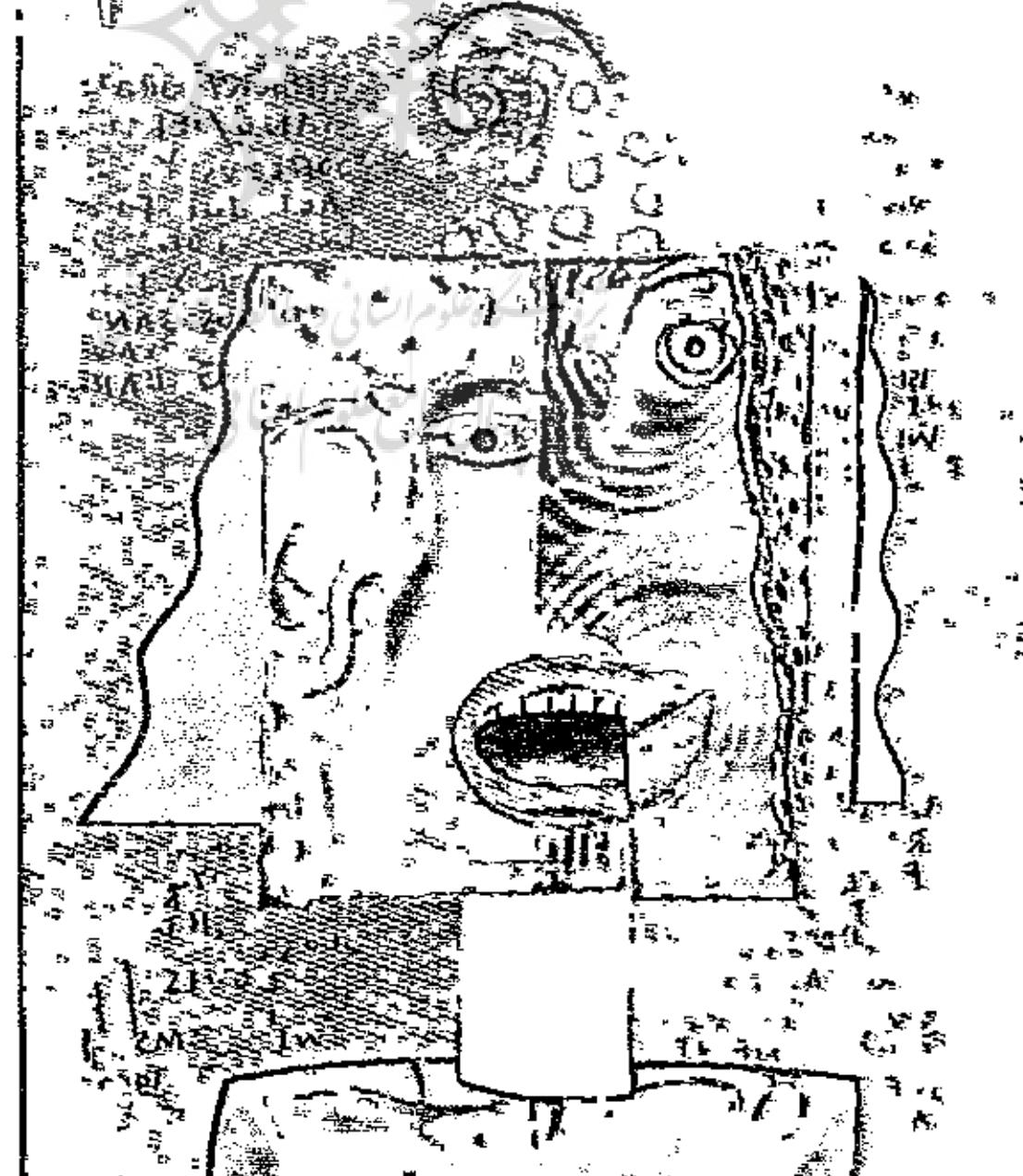


۴ مهدی یاکنها

در رکشورهای جهان سبده روش روشنگری همراه باشد، مقواه سیاسی پوشه و همین موضوع باعث انتقال نقش روشنگری به شده است. فرم بکچپون آن زمین کمال احمد کتاب هر خدمت روشنگران را به دو گروه خلائق و حشرات تقسیم کرد، شاهد هیچ نمی داشت که این محتویات سیماها و سکون قریوفته و آذینگر سود موافقه با هم و غیره دستورات و اختیارات کفایه در انتشار عرض معرفه نشسته بود. تلاش کرد منظری تقدیم کند که این را برای اجتماع خود پذیری کند. گروه اول احمد نیز به کل کیم دویه و سلطه این منظره را محابی نهادی. برای رفع مشکل جامعه دعوه ۲۰ و ۲۱ ابران دست یافته اند. تاریخی را این نظره و همچنین تأثیری که کمی بعد از جوان اکتسنالیسم «خاله سلطی، باور داشته در نهایه تجدد حیات اسلام مبنی کل خود فرازده و بدن توجه به نیز معاشران را می خواستند. این را این نظریه و مذهبی خود و دنیای خوب ملاجعتیین پیروشکاری، آنچه که این می تواند این و اکسن تجارت همه هر قوم را فراموش کند. ای احمد برین ناور بود که در تاریخ مسلمانان اخیر ای پلی پازاره برای روسیدن، ایده بوسی گرفتند. ای احمد برین هر جار و خفت و روشنگران را از این باعده دوشیده دوش هم باز بین هم بروانند و میزند. این اجتماعی برای هست و پیش قدمی به سوی تکلف و تحول و هر چاکه این دو از در میانه های دید و اور ضایی مخصوص می خواهد. این باعده متفاق برای مذهب قائل است. هیکی مصلحی است برای مذهب این را این مذهب شرکت کردند از نظر اجتماعی باخت هست و سرفت و قدمی به سوی تهرهای. آن هنگام که عذر افراطی خواهد و از این مسنه برای جلسه و نظر مسحال احمد

به عنوان یکی از روشنگرانی که در بیک از حسنه، و زنای است در مقابل سلطنت پرای اینکه پکدگر را خشی کند و هر تجاه فضای باز برای روشنگران بوجود آید. سوم به منزله مخفیه بجهات پسرست و قتنی که پس از زندگی کردن دیو ملشین موشیه مسائل جدی و قائلی تر مطرح شوند.^(۲) اگر سوی دیگر آن حصد در مقام یک روشنگر باید خود پکر ساخت اجتماعی و ارمنی کشی است و به معنی دلیل خودخواست در مقام ایندوشوک نسل خویش درین آبدال احمد باز طلب مستمر و پی واسطه روشنگر بازده مردم باید دارد و از این و نسل آفرش را به یافی قابل فهم برای قریب به اتفاق انتشار جمله می نویسد. آن احمد برقی خود را سالی تقل امانت و تلاش می کند از طریق احادیث پیش از این و پیشگوئی های این احمد را به این اعتماد شود. پیشگوئی های این احمد را به این اعتماد را به این احمد از این احمد بازگزید که آن احمد که متأثر از افساری از هم گستاخ و خرمده پس از جنگ و میجن نقد و گترش چهانی که مده به هنون یک و هیافت عدالت محور و آرمان خواهد بود. کنش سیاسی و مخدومانگش اتفاقی را چه لایه ای از اخلاص روشنگر می نهادند از این راهی ایشان را که توان این را که داشتم به دنبال یک ریاقت چشمیده بود. این هنگام که عذر افراطی خواهد و از این مسنه برای جلسه و نظر مسحال احمد



روانی و اکتشافی را روشنگر کن و این بوسی میگرد
شکی نیست که قریب به اتفاق روشنگر کن مادر
طول ۱۵۰ سال اخیر در کمال صفات و بالایان
کامل به اهدافی برآور آمده باشد.
در پس چارچوبی برای
مشغلات مردمی شناس
بودمندی بالین وجود صفات
و بالایان، شرط های لازم اما
ناکافی برای روشنگری
بمنظر من اینند روشنگری
و آنکه لومقیم است، مفهومی
است که انسان و ملکه ای
استی را که در ایشان
عقل و تحمل خلاصی فراز
مادر، پیش فرض قرار می دهد
آن که هایی روشنگری دارد
مرواقع اعلام کرده است
که جزو نلات مطلق تفکر و

لذیش مظلومی، فرار دیگری
در اختیار سلطنتی بین‌النهرین؛ تسلی اجزای تحلیلی
دو چارچوب منطق تکویر فرازی گیرد معنی
دیگر این سخن آن است که روشنگر، معاز
نمی‌ست اگر استقلال دینی دارد هما این‌چیز درگیر
ازمان‌های تسبیونالیستی نمی‌ست یا باز مردم فروت
و مقام چه بتقدیف خود است پس ایه هر دشیل
صلحت راه حقیقت ترجیح می‌دهد اینها همه
را خواسته یانخواسته در گفتار روشنگری‌اش
لحظات کرده و دخالت دهد اخلاق روش‌نگرانی
و اجد خصوصی امریکه است که روشنگر والز
هرگونه تعقیل به نظام قدرت می‌داند کرده و لو
را تبدیل به همگس مژاهم لقب «جلمه» می‌گند
و آنین وجوده به نظر می‌رسد روشنگران این‌قدر
نه در هفت بلندکه در عمل ازین اخلاق تاریخ‌خوار
روشنگری دور بودند و این فاصله اشان را
صدانی این تفسیر انوار سعید از کتاب معروف
چولان پیدا خیلت و روشنگران، مشکل
از نظر بنده در کتاب خیلت روشنگران، مشکل
امروزی جامعه‌این نمی‌ست که روشنگران امریت
اخلاقی خود را به چیزی واکنده‌دهند که اور نسبتی
پیش گویی‌اسه، آن را اساز مانده هیجان جمعی
(organization of collective Passions)
منشی قرق‌گرایی، این نمای توده‌ی خصوصیات
تسبیونالیستی و مناقع طبیعتی می‌نماید اولین ممتازاً
تشخیص دله بود که بخدمت گرفتن روشنگران تا
چه حد برای حکومت‌های استعماری پر از همیزی
کردن، بلکه برای استحکام و دوام سیاست دولتی
کردن تبلیغات علیه دستمال رسمی خوب‌لاید
جلوه دادن موضع‌عالات ناطق‌طبع و در سلطنتی
وسع تر، کل نظام سخنبروی الووی (orwellian)
ملک (newspeak) که می‌تواند تحت نام صلحت
تشکیلاتی، «اذخیر ملی» روی حقیقت آنچه در

100

۱- از کرده‌بر زیر پروردی روش‌نگاری در ایران ۱۱۰-۱۴۷

۲- آنچه در مدل غیر خست و خیل روش‌نگران ۱۳۷

۳- جواضی ۹۳

۴- آنچه آن امداد را می‌باشد بروز قلشی عرب ساخت نایاب شد
چون سازل را باید بود - که تأثیر فرازی از آنها گرفته بود است
سلحی و تاکس بود و ظرف بر منابع مسند هم باشند و گویانی
نشانی باشند مصلحت نفعه نگذشت به عنوان نمونه قلشی

۵- آن امداد را می‌باشد شریزه‌گی و هزاره ای از همین کوه برج گردید
شتر از امدادگر و انتشارات میان هرکو اول موکب‌نیز و قبه‌نگاره‌گر

۶- مدت تعلیم اندیشه میان هرکو اول موکب‌نیز و قبه‌نگاره‌گر

۷- متفق‌نیز وجود از اندیشه

۸- مصنعت از اغلب آن‌کس‌کو برادران اندیشه، ص ۱۸۹

۹- مدل، ص ۱۷۷-۱۷۸

۱۰- مدل، ص ۱۷۸

۱۱- مدل، ص ۱۷۷

۱۲- اندیشه، ص ۱۷۷

۱۳- اندیشه این‌گویند تسبیح فرشتگی، ص ۱۶

۱۴- چشم‌الملأه می‌باشد و کمال‌اللائق در خدمت خالق، ص ۱۷۷-۱۷۸

۱۵- حاری و رضا تقی‌الله در بحری، ص ۳۰-۳۱

۱۶- مردم و خشت و نیکنگران، ص ۱۰

۱۷- ایلاراد سرمه، شش برد - نیکنگل ترجمه محمد عصمتی
ص ۱۷۷-۱۷۸

غلام‌سلطان به تعلیل فلسفی نظر همچون احمد فردیده رضا داوری و دلیوش شایگان (آسیا مر براز غرب) رویکردشان به غرب بر پایه نظر و اثکار پوچه است این روشنفکران با تسلیم به دیدگاه‌هایی هستند که شناختی فلاسفه‌ای همچون هایدگر و استناد اولار ملهمت وجود غربی، پر آن شدن‌تاباها می‌نمایند این این‌طوری معرفه غرب را به عنوان منبع و سرچشمۀ فساد و تبلیغ معرفی کنند و مدعی سقوط و انسحاب غرب شونده کنند که داوری به عنوان یکی از نکاتی که به پایان تئدن فرمی ساخته‌بوده دارد در این تئدن‌گذشت که اولماتیسم و ماتریالیسم حاکم بر غرب که به خمال غربی‌ها دستور نهادی تئدن غربی است در واقع چیزی جز از خودی‌تگی و تنهایی و انسحاب غربی از مغلق تبارود و چنجه قریب‌های خواهد نداشت این دلم بلا راه عالیت پیش گیرند ضروری است که اولماتیسم و شکنواری دست بر دارند هر خاتم پوسیده تجدی‌های رشید (۱) گشته و دربر این خاتمه‌دانی تسلیم شوند.

در مجموع نزدیک بین هسته از روشنگران،
هزار کشتوهای چهان سوم و از جمله ایران و لر
باگشت به هفت اصل خود و دوری گزیدن هر
چیزی شرخ و فراز دوری فکری و منطقی آن
لست هسته دیگر کشان که به مرقت فلسفی علاقه
شنان می داشتند گروهی هستند که به سوی تلسخه
الامی کشیده شده و سال های زیادی را صرف
آموختن فلسفه و کلام اسلامی کردند آنها مطلع
که قابل پیشنهاد نیست و باکش این دسته در
جزایر مسکل مربوط به غربه و اکتشی منفعت آنها
بوده است اما آنکه علایقشان غور و تغلیق درست
فلسفت اسلامی همچون مشه و اشراف و متدابره
بود لسانی اپه گونه ای پرخوره کرد و می گذشت که
گویند موضوعی به نام غرب فی الواقع وجود خارجی
غذای آنان هنوز به وجود نیکه هنگری بیار نمی ندانند
چه رسید که پیغامبر اُن را جدی بگیرند شاید به
میهن دلیل بوده است که فلسفه سنتی ما هنوز
پیک گام از آنجه ملاصدرا گفته بود - با فرض اینکه
آنچه ملاصدرا گفت اسلامی فلسفه بود و نه چیزی دیگر
پیش نگذاشتند است

نکته پایانی که درباره روشنگری ایرانی باید به
آن اشاره داشته عمن فلسفه ای است که روشنگران
از یکدیگر دارند و عدم علاوه آنکه به تایید و حمایت
یکدیگر، رابطه روشنگری ایران با یکدیگر، اتفاقی
بیوایله نیز دیگری است که در آنچه ملاصدرا گفته بود - با فرض اینکه
همان نگاه غیرانتقادی و همبست بر احتمال است که
در نسل روشنگری ایران تصورهای قراؤی از خود
به پاگذار گذاشته است اگرچه این روشنگران
دو ناتملات و موضعی گیری هایشان تقویت چشمچی
با یکدیگر نداشتند اند با این حال هرچیز که حاضر
باید پیش دیگری و به وسیمه شناختن مدلی
دیگری نبوده است نقل مبنی آن شعهد درباره
روشنگران همدموش می تواند بخوبی این وجهان
روشنگری ای را اثبات کند اما اینجا که مباحث

این قلم می پندانیں حضرت هفت کوه‌های
وطنی (۱) هر کلام تپک مسوی یا ملائیدند. همه
نهضه‌های احسان می‌گرفتند که انسان اجتماع
و سنت کهن مادر قبل جمله چیری ماشین و
تکلیف‌زی ناب مقوله ندارد و نیز همه این بیرون از
از خاندن که پس اخست شدن فرنگی‌سونو تصرف
ایرانی اما گذشتے بازین نسخه تجرب کلی هر
کدام در جستجوی علاج درده بر این دیگر فرستاد
لیکن ریز دیگر پلوی سفلات را اتش کرد و دیگری به
پنجه از غرب گام کرد باشد هوتو باری هر آرزو داشت
یک هر فرم متعی بدهست کهن جان تازه میداد
و سوسن دعوت به وحدت اسلامی گردید مردمی که
نقل عام از منیان و گرد همکوش رسالی عنتمی را زیر
سر باز لذت گرفته بودند (۲)

برای ظهور و گسترش این نظریه آنده کرد اما
نظریه روشنگری بینی که اندیشه‌مندی چون
عبدالکریم سروش، محمد مجتبه شusterی
حسین کبیرلو و آن را بسط و گسترش دادند
در نهایت همان مشخصات کلی جریان روشنگری
ایران را در خود داشته است که در پیش بدهد آن
برداخته خواهد شد.

نهاده هرسوس روسین در مقاله‌ی «نهاده سولویش
سیلی روشنگری» می‌نویسد

این نظریه‌ها می‌توانند مفهوم گذاری
برای خود نوعی وسالت مسحای و به استلاح
«منجیله»^(۱) تأثیر بگذارد. رسالت کمونیستی این است
که فرد خود را تاثیل و جایگزین صفت پریز یا
لوفر شمار وحدت با خود یادویتی انسان، در درجه
و سلطنت عقلي پانهایدی و توزیز دیدگاه روحی ایشان از
بسیار خوب است. این که همچنان لذت و تهیبا

فروغی، سینه خر الدین شلچان، سعید تقیی
و سراج‌الشاریط سیلی - اجتماعی دوره حکومت
پهلوی اول بودند نئانقلابی‌هی که رخاخان در
لبیات و هر طلاق آن بود. حضور شکل خامی از
روشنگری اهلی‌بی که در این ترتیب‌شل دوهم
«خوده» (self) نزدیکی اش را در ایران قلل اسلام
چه متوجهی کردند رحالی که از ده - آ پسند
شراحت برای شلی مهادش که با خود هموست گردی
بروی «آوردنده»^(۲) در این جارو شفکران، «دیدگیری»^(۳)
را به منظمه استبداد و امیری‌الجسم می‌نیدد که به
پرای عنصر به استلاح خونفر و خته پیرامونی به
مرجهت اترافی سرمایه‌ملزی جهانی عمل می‌کند.
لين نسل به همان اندیشه که گرایش‌های منقصی و
راسکیلی داشته تعبیلات و تغیرات چهار رانربی
خود پیدا کمی کشید

معطی، کل توانا و قادر شدم، ما کم است

پیغامرسانی سینه ای را در میگیرد و از این طریق عمل فهرستهای
و کمودیتی، بخش عضدهای از تاریخ روشنگری
ایران را رقم می زند که نهاده شخص چنین
جریاناتی، شکل گیری و گسترش حزب توده پس
از شهرپور ۱۳۴۰ است همراهی از روشنگران فر
طول دهه ۲۰ و ۳۰ ایطیه مقتضیهای غیرمستقیم با
حزب توده در لرستان بوده و ایشان از این دشنهای
کوئینستی، اینستینی پدرهای می گرفتند.^(۲)
شعراها و ایلههای بندهای این مکتب از جمله
اعتقادهای پیروزی نهادی پرولتاری او بر قراری عدالت
مبارزه طبقاتی اشlar فرمیست باطبقه سرمایدار
فلسفه‌های ملیگی پیروزی از ملیگی ملیگی ملیگی
و حتی برای آن دسته از روشنگران که به طور
رسمی ارتقا یافته اند، بجز اینکه نداشتند قابل
تلل و کلیردی بود، روشنگران نسل دوم و سوم
در مواجهه با غربه، باز دیدگاههای خدالستماری
و ضد امروزی‌گرایی چیزی نکیم کردند، یاده
پارهای نسبوتالیستی و قوه‌هاره و بوسی گرانیه
ایمان می اوردند به عنوان مثال، روشنگری فی
همجون خدمانی^(۳) که گفار جامعه ایران از است
به مرتبه رایانکلی حسرتبار و غوشهاکی بی
من گرفتند، امیریون فت اولین هزار گزینه هرمان
تاریخ نیز را در برگرفت به تمن عظیم ایران و

نیان شکوهمندانه از می دیدند، چنان که شاهزاد
می نویسد: «کار روپرایور با فرنگ و تقدیر را تهابی توییم
به عینه کس بگذرانم که چشم و گوش و دلش را
از ایران و زبان ایران و همراه ایران و لوز آن چیزی
که در تاریخ ۲۵۰۰ ساله مایه این ملت باشند ایران
و استگی که شاهزاد است، چنان که شاید و باید پر
گنیم و ایرانی ایران شناس فارسی دان هوشمند
نمتمد، راجه چوب کارگاه پر نفس و نیگران نمین
فرنگی پرستیم» (۱).
گرامیش به آشناز دادن عقل و دین و تلاش برای
به ظهور رسالتندن یک گفتگوی دینی روشنگری
و پس ماختن مستری از آین دلایل کنیک
جهت مقابله با غریب را دیگری بود که دنیل
روشنگری دینی دیگری ۵۰ و غریب اندیشه خود
مشغول داشت بروز انقلاب سل لاد و شکل گیری.
حکومت اسلامی و به تبع آن تقویت مطروح دینی
و تبدیل این دینیک جامعه در انتخاب نسل جدید
روشنگری ایران تأثیر بسیار داشت: چنان که
برخی از مطریت‌ترین روشنگران دین محور امروزه
در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و حتی سال‌های
یکیش از آن به عنوان اینفلوتوک و نظریه برداز از
ساختار انتزاعی انقلاب، حمایت تنویر یکمی کردند
این روشنگری از مطریت‌ترین در این مسخره مطلع سوون ملت
غربیست‌زی در ایران معاصر بود و اینه منشی
که با اخیر بزرگی «آل احمد صورتی و مسمی به
خود گرفت و پس از گذشت چهاران های گوناگون
سیاسی، اجتماعی و معرفتی، مرآجدهم در اقبال
گفتگویی در این معاشر بود و شاهزاده امانتی
این نظریه ایله به سال های پیش از انقلاب باز
می گردید اساساً اتفاق روشنگری دینی در دل
ایده بیوم، گولی مسنه شد که چریان انقلاب
و قدر سلسله ایتمانی، بد این مسنه،
مه قفسه غیر ایتمانی، مردها، تهدید شده ای